

گفت‌وگو با محمد معتمدی، خواننده، درباره موسیقی ایرانی و شجریان‌ها

محمود خوشنام

پژوهشگر موسیقی

به روز شده: 17:34 17 گریجویچ - سه شنبه 29 نوامبر 2011 - 08 آذر 1390



محمد معتمدی خواننده ۳۳ ساله ایرانی به تازگی در لوگان هال لندن با نوازندگی گروه دختران "پارسوا" در برنامه ای که از سوی "بنیاد توس" برگزار شد به روی صحنه رفت.

در ایران برخی او را شجریان "سوم" به شمار می آورند. این شناسائی از نظر قدرت صدا و مهارت های اجرایی ممکن است درست باشد ولی صدای او جنس و ذات دیگری دارد.

آقای معتمدی که در نوجوانی به آواز سنتی علاقمند بود، بعدها راهی محضر استادانی چون "تاج اصفهانی" و "ادیب خوانساری" شد.

او با گروه های موسیقی "شیدا" و "خورشید" و با ارکستر ملی ایران همکاری داشته و در برنامه هائی در خارج از ایران نیز شرکت کرده است.

آنچه در زیر می آید چکیده ای است از مصاحبه با این خواننده آواز سنتی ایرانی در لندن.

موسیقی سنتی ایران در یک قرن گذشته دگرگونی هائی را پذیرفته که اگر چه کافی نبوده و آهنگی کند داشته ولی به هر حال آن را از فرو افتادن در ورطه ملال و یکنواختی مطلق بازداشته است. دیگر نه نوازندگان

امروز چون "آقا حسینقلی" می نوازند و نه خوانندگان چون "اقبال السلطان" می خوانند. شما به عنوان هنرمندی از نسل جوان این تغییرات را چگونه می بینید؟

تغییرات در موسیقی ایران را به دو دسته باید تقسیم کرد. اول نوآوری هائی که از دل سنت و با تکیه بر آن به دست می آید. دوم نوآوری هائی که قصد تغییر ماهیت آن را دارد. دگرگونی از نوع اول زیاد بوده است، ولی نوع دوم هم آگاهی کامل می خواهد و هم شهامت بسیار!

از همان زمان "درویش خان"، موسیقیدانان کوشش بسیار در پیراستن "گوشه ها" به کار بردند. به ویژه که برای شنیدن مجموعه گوشه های یک دستگاه دو سه ساعته وقت لازم بود. شما هم دستگاه ها را پیراسته می خوانید؟

این کار هم از نوع اول نوآوری ها محسوب می شود. ما در هر دستگاهی تعدادی "گوشه" اصلی داریم که ساختار آن را پدید می آورند و در درجات مختلف گام ساخته شده اند. این گوشه ها طبیعی است که حضورشان در دستگاه ضروری است. ولی بی شمار گوشه های دیگر داریم که شخصیت مستقل ندارند و خیلی هاشان با هم شبیه اند. مثل "سلمک" و "شهناز" و یا "کرشمه" که در هر درجه گامی می تواند اجرا شود و یا "مثنوی" که در همه دستگاه ها برای خود جایی پیدا می کند.

در کار برخی از آوازخوانان نه چندان جوان گاه تحریرها و نغمه های غیر معمول و ناسازگار با روح موسیقی سنتی به گوش می رسد. این از همان مقوله نوآوری های بنیادی است که می شود اسمش را کارهای "تجربی" گذاشت.

نظرتان را درباره آواز محمدرضا شجریان بگوئید که خیلی ها آن را "سرمشق" شما قلمداد می کنند.

شجریان هم مثل خوانندگان دیگر نقاط ضعف و قدرت خود را دارد. یکی از دلایل متفاوت شدن او از دیگران این است که خیلی "جامع" است و بیشتر عناصر سازنده آواز را در خود دارد و در خود پرورده است. البته یکی دیگر از دلایل شهرت او خالی بودن میدان در دو سه دهه پیش است. حرف کسانی که به خوانندگان جوان ایراد می گیرند که از شجریان تقلید می کنند، نادرست است. اگر چه در آغاز کار، شجریان تنها سرمشق آنان بوده است.

محمد معتمدی

"یکی از دلایل متفاوت شدن شجریان از دیگران این است که خیلی "جامع" است و بیشتر عناصر سازنده آواز را در خود دارد و در خود پرورده است. البته یکی دیگر از دلایل شهرت او خالی بودن میدان در دو سه دهه پیش است."

درباره همتایان جوان خود چه نظری دارید؟

بیشترین ارتباط را با صدای "همایون شجریان" دارم. موسیقی ایرانی را خیلی خوب شناخته و هضم کرده و در اعماق جان خود نشانده است. در موسیقی هم مثل هنرهای دیگر باید چیزی در درون هنرمند باشد که توان و ارزش بازتابیدن داشته باشد. خلاصه موسیقیدان، نوازنده یا خواننده با هم فرق ندارند. اول باید "دوزاری" شان افتاده باشد. وگرنه هیچ چیز جالبی نمی توانند عرضه کند.

آینده موسیقی ایران را چگونه پیش بینی می‌کنید؟

موسیقی ایران با این نیروی جوانی که من می بینم در آینده یک جهش بزرگ در پیش دارد. آنچه طی ده سال آینده به صورت خود جوش از سوی جوانان عرضه خواهد شد، حرف‌های بسیار برای گفتن دارد. موسیقی ایران می تواند جهانی شود.